

هستند. در حالی که سایر کشورها خواستار آن هستند که این اختیارات همچنان در اختیار دولت‌های عضو قرار بگیرد. ساختار پیچیده اتحادیه اروپا نیز یکی دیگر از موانع پیش روی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. دولت‌های عضو، شورا، نماینده عالی، نمایندگان ویژه، کمیسیون و پارلمان هر یک با بوروکراسی و منافع و اهداف خاص خود موجب پیچیده‌تر شدن نحوه اجرا و عملیاتی شدن سیاست خارجی و امنیتی مشترک شده‌اند.

شاید بتوان گفت مهمترین چالش پیش روی سیاست خارجی و امنیت مشترک، ایجاد و حفظ اجماع مواضع ۲۸ دولت عضو است. البته این چالش به دلیل ماهیت خاص اتحادیه اروپاست. هنوز هم ۲۸ پایتخت اروپایی در حوزه سیاست خارجی و امنیتی مشترک نقش اصلی را ایفا می‌کنند. دولت‌های عضو دارای اولویت‌ها، ترجیحات و سیاست‌های متفاوتی هستند. مهمترین مانع فراروی سیاست خارجی و امنیتی مشترک، نبود یک نهاد واحد برای اجرای مقتدرانه سیاست‌های اتحادیه اروپا است. پیمان لیسبون به عنوان سند جایگزین قانون اساس واحد اروپایی که در دسامبر ۲۰۰۷ به امضای سران اروپا رسید، همچنان تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی و امنیتی مشترک را محدود به رای‌گیری به روش اجماع می‌داند. اگرچه عموماً رای‌گیری به شیوه اجماع مانع از شکل‌گیری مواضع سیاسی واحد نمی‌شود، اما در صورتی که روش کیفی در رای‌گیری مورد استفاده قرار گیرد، دستیابی به یک سیاست و موضع واحد در قلمرو سیاست خارجی و امنیتی مشترک آسان‌تر و سریع‌تر صورت خواهد گرفت. می‌توان گفت بزرگترین ضعف سیاست خارجی و امنیتی مشترک، نداشتن یک نهاد اجرایی مقتدر است که درست همانند اقدام دولت‌ها در نظام سیاسی بتواند سیاست‌ها و مواضع مشترک اعضای اتحادیه را در عرصه سیاست خارجی با اقتدار به مورد اجرا بگذارد؛ امری که در ناکامی اتحادیه اروپا در اتخاذ یک سیاست واحد و منسجم در قبال برخی بحران‌های بین‌المللی در سال‌های گذشته موثر بوده است.

و قابل اتکا با ظرفیت هماهنگ ساختن سریع و کارآمد مواضع متفاوت دولت‌های عضو در راستای تحقق اهداف اتحادیه اروپا.

سخن پایانی

با پایان گرفتن جنگ سرد و برخی تحولات در عرصه نظام بین‌الملل، دولت‌های اروپایی تصمیم گرفتند تا دیگر همانند گذشته صرفاً یک بازیگر اقتصادی نباشند و در عرصه سیاسی نیز بتوانند نقش‌آفرینی بیشتری داشته باشند. از این رو، در گام اول سیاست خارجی و امنیتی مشترک را در پیمان ماستریخت تدوین کردند. به رغم تلاش‌های اتحادیه برای تأثیرگذاری بر موضوعات امنیتی

این نماینده همزمان معاون کمیسیون اروپا نیز می‌باشد. در واقع نماینده عالی اتحادیه اروپا مسئولیت‌های حوزه سیاست خارجی را که پیش از تصویب پیمان لیسبون میان سه مقام تقسیم شده بود، بر عهده خود گرفته است؛ نماینده عالی سیاست خارجی و امنیتی مشترک، وزیر خاجه کشوری که ریاست چرخشی اتحادیه را بر عهده داشت و کمیسیون روابط خارجی است. به همین دلیل می‌توان گفت که نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست امنیتی به نوعی ایجاد پلی نهادی برای ایجاد پیوند و هماهنگی میان بخش‌های مختلف تأثیرگذار در حوزه سیاست خارجی



ماموریت خانم کاترین اشتون،
دومین مسئول ارشد سیاست خارجی
اتحادیه اروپا امسال به پایان می‌رسد

می‌باشد. راه اندازی سرویس اقدام خارجی اروپا در دسامبر ۲۰۱۰ نیز با هدف حمایت از اقدام‌های نماینده عالی در پیشبرد سیاست خارجی اتحادیه اروپا صورت پذیرفت. در پیمان لیسبون همچنین پست ریاست دائم در نظر گرفته شد. مدت زمان ریاست دو سال و نیم و یک بار نیز قابل تمدید است. هدف از این اقدام، مدیریت فعالیت‌های اتحادیه اروپا در عرصه خارجی و کمک به ایجاد اجماع در میان دولت‌های عضو می‌باشد. اما همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد ضعف محوری سیاست خارجی اتحادیه اروپا چیزی نیست به جز نبود یک سازوکار وحدت بخش قوی

و سیاست خارجی، اما برخی عوامل موجب ناتوانی اتحادیه اروپا در پیشبرد سیاست‌های خود در حوزه سیاسی و امنیتی شده است. یکی از مشکلات اساسی اتحادیه در حوزه سیاست خارجی و امنیتی مشترک، وجود دیدگاه‌های مختلف نسبت به سیاست‌های اتحادیه در حوزه مسائل خارجی، دفاعی و امنیتی است. برخی از کشورها خواستار وجود یک ساختار فدرالی منسجم و برخورداری نهادهای اتحادیه از اختیارات زیاد در حوزه مسائل خارجی و امنیتی